

«زمستان درون» داستان ۱۰هزار گمشده



کیاکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

مضمون گم‌شدن یک عزیز خانواده و تلاش فردی یکی از نزدیکان او برای پیدا کردن ردی از او، از جمله سوزه‌هایی است که صنعت سینما در کشورهای مختلف بارها سراغ آن رفته و درام‌هایی پرتش

و هیجان‌انگیز در قالب‌هایی چون ترس و دلهره، تعلیق و هیجانی خلق کرده‌است. گم‌شدن شخصیت‌محوری داستان این فیلم‌ها می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد و گم‌شدن یا ناپدید شدن سیاسی یکی از مرسوم‌ترین حوادثی است که دستمایه محصولات سینمایی می‌شود. تاریخ سینما فیلم‌های زیادی را به یاد می‌آورد که شخصیتی درممانده و بی‌پناه در دل شهر یا روستایی دورافتاده، دربه‌در به دنبال عزیزی می‌گردد که نشانی از او نیست و اصلاً مشخص نیست که این عزیز گمشده زنده است یا مرده. تلاش‌های شخصیت‌محوری برای یافتن پاسخ‌ی برای پرسش‌هایش، با چاله‌های متعددی روبه‌رو می‌شود که در راس آن کاشکنی‌های مقام‌های دولتی و حکومتی قرار دارد. تماشاگران سینما در رابطه با این ژانر «گمشده» کوستا گواراس را به یاد می‌آورند که تقریباً مهم‌ترین تولید صنعت سینما با مضمون گم‌شدن است. از تازه‌ترین این نوع فیلم‌ها هم «آرتانتین ۱۹۸۵» در چند ماه اخیر سرومضای زیادی به‌پا کرده که در رابطه با دادگاهی جنجالی و تاریخی در کشور آمریکای لاتینی آرژانتین است که گروهی از نظامیان کشور را به‌دلیل سیاست نسل‌کشی اهالی کشور با ربودن و گم‌شدن آنها مورد محاکمه قرار می‌دهد.



زمستان درون، راوی گمشده‌های کشمیر

«زمستان درون» ساخته عامر بشیر، فیلمساز هندی که محصول مشترک هند، قطر و فرانسه است و در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد؛ هم مضمونی مشابه مضمون بقیه محصولات ژانر گم‌شده‌ها را دنبال می‌کند. شهر سریناگر در قمل پیرف زمستان، مکان اصلی رویدادهای داستان فیلم است. ترگس شخصیت‌محوری داستان به این شهر برمی‌گردد ت‌اری از شوهر گمشده‌اش منظور پیدا‌کند. تلاش‌های ترگس راه به جایی نمی‌برد و او ناامید به روستای خود برمی‌گردد. یاسین یکی از همسایگان ترگس به کمک او می‌آید و باعث می‌شود تا زن جوان جست‌وجوی خودش را دوباره از سر بگیرد اما بعید به نظر می‌رسد کمک‌های یاسین چاره‌ساز باشد. زمستان کشمیر سخت‌ترین مانعی است که ترگس پیش روی خود می‌بیند، البته این فقط ظاهر ماجراست و موانع جدی‌تری خیلی زود خودشان را به رخ می‌کشند. این در حالی است که زمستان سرد کشمیر و زمین‌های برف گرفته برخلاف زیبایی ظاهری‌شان، حالتی شبیه سکوت قبرستان‌ها را دارند. این زمستان‌سرد چه چیزهایی درون خود دارد و چه پیامی برای ترگس و جست‌وجویش دارد؟

دومین ساخته سینمایی حرفه‌ای عامر بشیر که در شرایط سخت زمستانی ساخته شده، داستانی هول‌انگیز را با نگاهی رئالیستی و واقع‌گرا در رابطه با مردمی عادی در یک فضای بسته مشخص به تصویر می‌کشد. در مکانی که همه چیز ظاهراً طبیعی است و طبیعت سر‌ناسازگار با اهالی دارد، فعالیت‌های تروریستی که هر چند روز یک‌بار اتفاق می‌افتد، زندگی و کار مردم را دستخوش تغییر و تحول می‌کند. درگیری طولانی‌مدت دولت مرکزی هند با گروه‌های تروریستی که به نام تضاد و درگیری هند و کشمیر معروف شده، در پس‌زمینه داستان فیلم نقشی پررنگ و مهم ایفا می‌کند و حتی برخی اوقات، خودش را به‌عنوان مشکل اصلی نشان می‌دهد. به این معطل، باید برخی درگیری‌های مرزی با چین را هم اضافه کرد.

زنی به دنبال همسر ربوده‌شده

منتقدان سینمایی از سکانس آغازین فیلم به‌عنوان بخشی مهم از داستان یاد می‌کنند که بلافاصله بیننده را وارد دنیای شخصیت‌ها می‌کند. در این سکانس، ترگس

به‌عنوان خدمتکار در خدمت خانواده‌ای ثروتمند به تصویر کشیده می‌شود. خیلی زود مشخص می‌شود او نمی‌تواند وظایف محوله را به‌درستی انجام دهد و به‌شدت ناکارآمد به نظر می‌رسد. دلیل این امر ناپلیدی ترگس نیست. هدف اصلی او نه کار و فعالیت به‌عنوان خدمتکار، که تلاش برای فهمیدن این موضوع است که چه بلایی بر سر همسرش منظرور آمده است. آخرین خبری که ترگس از منظرور دارد این است که او بعد از پیوستن به شورشی‌های مسلح منطقه توسط نیروهای دولتی دستگیر شده است. ترگس در تلاش‌ها و جست‌وجوهایش با افراد متفاوتی روبه‌رو می‌شود. یک پلیس محلی حاضر می‌شود در ازای دریافت رشوه خبری از منظرور به او بدهد و به‌زودی معلوم می‌شود قصد سرکشی کردن او را دارد. در همین اثنا، خانواده‌ای که ترگس برای‌شان کار می‌کند متوجه می‌شوند او همسر یک میلیشیا است و عذرش را می‌خواهند. بخش دوم فیلم، از این مقطع شروع می‌شود. ترگس به کشمیر برمی‌گردد، جایی که خودش را در برابر مشکلات زیادی می‌بیند. مهم‌ترین آنها مربوط به کمک‌های مالی می‌شود که به‌عنوان زنی تنها از مقامات می‌گیرد. به‌زودی ترگس متوجه می‌شود یاسین جوانی که در حال کمک به اوست، تعلق خاطری هم به او دارد. در شرایطی که به نظر می‌رسد همه چیز به بن‌بست رسیده، ناگهان سروکل شوهر گمشده پیدا می‌شود و با حضور او شرایط باز هم پیچیده‌تر می‌شود. منظرور تا حالا کجا بوده و رابطه نیروهای ارتشی با او چگونه بوده است؟ برخلاف انتظار، یاسین زوج جوان را تنها نمی‌گذارد و در شرایط جدید هم به کمک به آنها ادامه می‌دهد.

انتقال پیام‌هایی اجتماعی و سیاسی

عامر بشیر، کارگردان فیلم به این نکته اشاره می‌کند که باتمرکز روی شخصیت‌محوری زن داستان، به‌دنبال انتقال پیام‌هایی اجتماعی و سیاسی درباره وضعیت کشمیر بوده است. با این حال، فیلمساز به همین حد اکتفا نمی‌کند و روی شرایط سخت زنان در این جامعه (و البته کلیت هند) هم فوکوس کرده و به‌ویژه سعی می‌کند وضعیت زنان بی‌شوهر در جامعه هند را به بحث بگذارد. در همین رابطه است که بشیر به طرح این پرسش مهم و تأمل‌برانگیز می‌پردازد که چه اتفاقی رخ خواهد داد اگر زنی در چنین جامعه‌ای همسری داشته باشد که به نوعی انقلابی است و یک باغی و شورشی به نظر می‌رسد. شرایط سخت منطقه یعنی زندگی در مکانی که پلیس هر لحظه در تاریکی شب در خانه‌ها را شکسته و مردم را می‌رباید و خطر در هر گوشه و کناری وجود دارد، با تنهایی یک زن و یک مثلث عشقی گره می‌خورد تا تصویری تازه از داستان انقلابی و عاشقانه را ارائه دهد. منتقدان این بخش از فیلم را به‌عنوان بهترین جنبه آن ارزیابی و معرفی کرده‌اند. نکته دیگری که از چشم منتقدان و تماشاگران حرفه‌ای دور نمانده، نوع برخورد بشیر با نمایش خشونت در داستانی سراسر خشن است. با آن‌که این داستان زمینه را برای نمایش خشونت، خون و خونریزی فراهم و آماده می‌کند اما فیلمساز به‌جز چند صحنه کوتاه و موجز از نمایش علنی خشونت موجود در فضا اجتناب می‌کند. در حقیقت او خشونت را به صورت پنهان و در دل روایت زندگی آدم‌های قصه به تصویر می‌کشد و همین موضوع، خشونت را به گونه‌ای هولناک در ذهن

تماشاچی زنده و جاری می‌کند. بشیر اذعان می‌کند که از باشکوه نشان دادن خشونت برای جذب بیشتر تماشاچی و سرگرم کردن او به‌واسطه نمایش بدن‌های سوراخ‌سوراخ شده و غرق در خون دوری کرده تا متهم به تقدیس خشونت هم نشود. از این نظر، او در نقطه مقابل فیلمسازانی مثل کوئنتین تارانتینو قرار می‌گیرد که اصرار بر نمایش واضح و بی‌پرده خشونت پر پرده سینما دارند و آن را حتی برای محصولات سینمایی ضروری می‌دانند.

تصویری غیرمتعارف از کشمیر برف‌گرفته

با آن‌که زمستان درون در نگاه اول فیلم شخصیت منظرور نیست اما هر چه به پایان آن نزدیک می‌شویم او را در راس ماجراها و داستان می‌بینیم. زندگی منظرور در همان ابتدای شروع داستان یک زندگی نابود شده و به فنا رفته است و در ادامه دیده می‌شود که این روند همچنان ادامه دارد و انگار سر باز ایستادن ندارد. بازی مقبول و یکدست منظرور، احمد بهات در این نقش، کمک بسیار زیادی به درک بهتر حالات و روحیات این شخصیت می‌کند. این نکته به‌خصوص در صحنه‌هایی که او در سکوت بازی می‌کند، بهتر به چشم می‌آید. این در حالی است که تمام فیلم در اختیار بازی زویا حسین در نقش ترگس است. او چهره اصلی داستان این درام پرتنش تعلیقی است و زویا حسین با درک نقش خود و موقعیتی که در آن قرار دارد، موفق می‌شود تلاش‌های درونی شخصیت ترگس برای رو‌درو شدن با انواع و اقسام مشکلات را به شکلی جذاب و قابل قبول به تصویر بکشد. به این جمع باید مدیر فیلمبرداری شانکر رامان را هم افزود که تصویری تازه و غیرمتعارف از کشمیر برف‌گرفته در زمستانی سرد را در معرض دید بیننده قرار می‌دهد. هنر او آنچنان است که تماشاچی در داخل سالن سینما، سرمای سخت موجود روی پرده را کاملاً حس کرده و احساس سرما و یخ‌زدگی می‌کند. نوع و شیوه فیلمبرداری رامان همان حسی را به بیننده منتقل می‌کند که خواست کارگردان بوده است؛ بی‌زمانی قصه و این نکته که این داستان می‌تواند در هر برهه زمانی و در هر جای دیگری رخ دهد.

برش



درباره کارگردان

عامر بشیر، کارگردان زمستان درون، متولد منطقه کشمیر است و به همین دلیل می‌توان حساسیت او نسبت به این مکان و ساخت درامی تلخ و تأثیرگذار درباره آن را درک کرد. گرچه در بین تماشاگران کنجکاو و غیرهندی او به‌عنوان یک فیلمساز مستقل و غیرمتعارف شناخته شده اما در هند به‌عنوان بازیگری حرفه‌ای شناخته‌شده که در بسیاری از تولیدات شهر بمبئی ظاهر شده است. او بعد از دوران مدرسه، در رشته تاریخ از دانشگاهی در شهر دلهی فارغ‌التحصیل شد. در همین شهر، در رشته حقوق هم تحصیل کرد و ناگهان سر از رسانه تلویزیون درآورد و کارهایی را در آن کارگردانی کرد. بسیاری از هندی‌ها او را در این ایام به‌عنوان مجری گزارش‌های خبری و حتی مجری نمایش‌های مسافرتی هند می‌شناسند. همین سفرها بود که بشیر را به بمبئی رساند و در آنجا بود که متوجه شد به بازیگری علاقه دارد و می‌خواهد در این حرفه فعالیت کند. او هیچ‌وقت نتوانست بازیگر نقش اول شود و بیشتر در نقش‌های مکمل (و البته مهم) ظاهر شد. بشیر اولین فیلمش «تابستان» را سال ۲۰۱۰ کارگردانی کرد که برای نخستین‌بار در جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به نمایش درآمد و یکی از جوایز آن را گرفت. این فیلمساز در مصاحبه‌ای دراین باره که چرا دومین فیلمش زمستان درون ۱۱ سال بعد از کار اولش ساخته شده و چرا این قدر کم‌کار است، سکوت می‌برد بر توضیح ترجیح داد. بشیر هم‌زمان با حضور در جشنواره فیلم بوسان کره جنوبی که فیلمش مورد تحسین منتقدان و تماشاگران قرار گرفت، چنین گفت: «طی سه دهه گذشته، بین هشت تا ۱۰ هزار نفر در کشمیر گم و ناپدید شده‌اند که به‌صورت رسمی گزارش شده است. اکثر آنها جوانانی بوده‌اند که توسط نیروهای امنیتی هند دستگیر شده‌اند و هیچ‌وقت به خانه بازنگشتند. تاکنون حدود ۶۰۰۰۰ قبر اعلام نشده در کشمیر کشف شده است. وابستگان این افراد برای بازوند که عزیزان‌شان در این قبرهای غیررسمی و اعلام نشده دفن شده‌اند، با این حال، مقامات رسمی حاضر به انجام تست دی‌ان‌ای برای تشخیص هویت دفن‌شدگان نیستند. زمستان درون بیانگر تلاش تراژیک کشمیری‌ها برای آزادی از اسارت و خودتصمیم‌گیری آنها از ظلم و ستم دولتی و حکومتی است. یکی از این ظلم‌ها به کسی مثل ترگس است که هم در وجه زنانه‌اش مورد ستم است و هم در وجه فردیت اجتماعی‌خود. این شخصیت در تمام طول داستان در حال مبارزه برای کسب آزادی و عدالت است.»

سینما

C I N E M A

سه‌شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ شماره ۴۴۲۶

نگاه

بخش بین‌الملل فیلم فجر در آستانه آزمون‌ی تازه

کشف استعداد‌های مستقل



اسید مومن
سینمایی
گروه فرهنگ و هنر

تا پیش از جداسازی بخش بین‌الملل از جشنواره فیلم فجر، مجموعه‌ای از فیلم‌های خارجی جدید از کشورهای مختلف در بخش رقابتی بین‌الملل به نمایش درمی‌آمدند و مورهای موضوعی هم مجموعه‌ای از آثار کلاسیک و شناخته‌شده

سینمای جهان را در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌داد. فیلم‌های بخش بین‌الملل به‌طور معمول در چند سینمای خاصی مانند مصر جدید، استقلال، و در سال‌های دورتر شهر قفه و چند سینمای دیگر که معمولاً باتوق علاقه‌مندان سینمای جهان بود، با عناوینی چون جشنواره جشنواره‌ها، نمایش‌های ویژه، مسابقه و... به نمایش درمی‌آمدند و مخاطبان خاص خودشان را داشتند، البته نه به اندازه بخش ملی، ولی در حد استاندارد و قابل قبول. به مرور به دلیل جذابیت‌های فرامتنی بخش ملی جشنواره و حاشیه‌های فراوان آن و استقلال نه چندان قابل قبول سینماگران خارجی از بخش بین‌الملل به دلیل ضعف مدیریت، به مرور از تعداد مخاطبان این بخش کاسته شد، به نحوی که غایت برگزاریکنندگان جشنواره به این نتیجه رسیدند باید بخش بین‌الملل در قالب جشنواره‌ای مستقل و در زمانی دیگر برگزار شود.

حالا در اولین دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر به روال گذشته و افزوده شدن عنوان بین‌المللی به آن، شایسته‌است مدیریت جشنواره به گونه‌ای عمل کند که به ویژه در شرایط کنونی که شاید اقبال چندانی از سوی برخی سینماگران نسبت به این بخش صورت نگیرد، از فرصت به وجود آمده برای بهره‌گیری از قابلیت‌های فیلمسازان کمتر شناخته‌شده ولی مستعد سینمای آسیا استفاده کند.

دعوت‌از پدیدآورندگان آثار حاضر در جشنواره و برپایی جلسات نقد و بررسی آثار، ضمن کشف و شناسایی استعداد‌های تازه، راه را برای انتقال تجربه بین فیلمسازان آسیایی و نمایش فیلم‌های ایرانی در قاره کهن هموار می‌کند. البته فراموش نکنیم طراحی جدول نمایش آثار بخش بین‌الملل که قرار است با بخش ملی جشنواره در جذب مخاطب رقابت کند، باید به گونه‌ای باشد که علاقه‌مندان سینمای جهان بتوانند بدون دغدغه‌ا از دست دادن تماشای آثار مهم بخش ملی جشنواره، به تماشای فیلم‌های بخش بین‌الملل بنشینند که با توجه به تعداد فیلم‌های ایرانی شرکت‌کننده در بخش مسابقه جشنواره، به نظر ممکن می‌رسد.

بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر همانند بخش ملی نیازمند طراحی بخش‌های جنبی با حضور فیلمسازان و مهمانانی از سینمای جهان است. چگونگی انتخاب هیات داوران این بخش می‌تواند نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن بیشتر به آرای اعلام شده از یک سو و کیفیت برپایی نشست‌های جنبی از سوی دیگر داشته‌باشد. ضمن این که به‌طور طبیعی و معمول حضور فیلمسازان خارجی در این نشست‌ها هم نقش مهم و مؤثری در ارتقای کیفی نشست‌ها دارد. به دلایل پیش گفته، می‌توان به روشنی دریافت که کار هیات انتخاب فیلم‌های بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر مخصوصاً در دوره پیش رو می‌تواند از نقش‌هیات‌داوران هم مهم‌تر و مؤثرتر باشد. این هیات‌نسبت به طراحی ساختار کلی رقابتی و بین‌المللی جشنواره فیلم فجر تأثیری را وارد عرصه مسابقه بین‌المللی می‌کند که در مجموع دکرترین این بخش را هم تبیین خواهدکرد. در شرایطی که بسیاری از کمپانی‌های اروپایی و آمریکایی به دلایل مختلف تمایلی به حضور در جشنواره فیلم فجر ندارند و اصرار روی حضور ایشان هم شاید به نوعی یک اشتباه استراتژیک تلقی شود، رویکرد به فیلمسازان مستقل فعال در سراسر جهان به ویژه کشورهای منطقه می‌تواند جشنواره فیلم فجر را به مکانی معتبر برای معرفی استعداد‌های جدید سینمایی که به‌طور مستقل فیلم می‌سازند، تبدیل کند. وقتی جشنواره‌ای در سطح جهانی با این عنوان معرفی می‌شود، دیگر نیاز به تلاش برای جذب فیلمسازان نیست و خود ایشان بر اساس اطلاعات فردی، جشنواره‌ای را که بتوانند در آن مستعد بودن‌شان را به اثبات برسانند، خواهند یافت.

پرسش‌های ذهنی یک دکتر در موقعیت جنگی

یا باید از کمک و یاری دیگران هم بهره گرفت؟ برای خود حکیم هم این پرسش مهم مطرح می‌شود که آیا بعد از آن همه سرویس‌دهی بی‌شائبه به اهالی شهر، سزاوار آن است که از سوی آنها مورد حمایت قرار گرفته و این اهالی به کمک او بیایند؟ دوردید لهام و صباح التجازی بازیگران حکیم هستند. این فیلم دومین همکاری الخطیب با لهام به حساب می‌آید. بسیل الخطیب یک فیلمساز سینمایی و تلویزیونی فلسطینی است که سال ۱۹۶۲ در یکی از شهرهای کشور هلند به دنیا آمد. او از سال ۱۹۶۳ همراه والدینش در شهر دمشق سوریه زندگی کرده است. الخطیب فارغ‌التحصیل مدرسه فیلم مسکو روسیه است. او فعالیت هنری را از سال ۱۹۹۲ به‌صورت حرفه‌ای آغاز کرد و تاکنون فیلم‌های «سوریه‌ای»، «پدر»، «مادر» و «مری» را ساخته که اگر از آنها به‌عنوان فیلم‌هایی خاص اسم پرده نشود، نام آنها خاص است.

نکته شد که کارگردان قصد روانکاوی شخصیت‌ها و آدم‌های فیلمش را در یک موقعیت جنگی دارد و به توضیح دلایل آنها برای اقدامات و عملکردهای‌شان می‌پردازد. اخلاقیات در کجای کار قرار گرفته و تقدیر تا چه اندازه در زندگی آدم‌ها تأثیر دارد؟ زمانی که حکیم در زندگی یکنواخت روزمره‌اش با یک چالش شخصی قرار می‌گیرد، این سؤالات و پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود. دیدار معمولی حکیم با نوه‌اش، سرآغاز ماجراهایی است که خط کلی داستان فیلم را به پیش می‌برد. این داستان در مقابل تماشاگران خود پرسش‌هایی را قرار می‌دهد که باید پاسخ‌های مشخص و قابل قبول به آنها بدهند. برای مثال، آیا زمان رو‌درویی با بحران‌ها باید به تنهایی اقدام به حل‌شان کرد



«حکیم» تازه‌ترین ساخته سینمایی بسیل الخطیب که در سطح جهانی با نام «دکتر» معرفی شده، دایاناً جابور را در مقام فیلم‌نامه‌نویس خود دارد. این اولین تجربه حرفه‌ای او در زمینه نگارش فیلم‌نامه است که بازخوردهای متفاوتی بین کشورهای در حال توسعه داشته است. خط اصلی داستان فیلم در مکانی دورافتاده و منزوی اتفاق می‌افتد. یک حکیم محلی شخصیت‌محوری این داستان است که تمام زندگی‌اش را وقف خدمت به مردم کرده است. به چنین بهانه‌ای، داستان حکیم نقبی به زندگی حرفه‌ای و شخصی شخصیت اصلی خود زده و تجربیاتش از زندگی را مورد بحث و کنکاش قرار می‌دهد. با نگاهی به فیلم حکیم می‌توان متوجه این

